

تحلیل رمان «مفتاح لنجوى» فتن المرّ با تکیه بر رویکرد نشانه‌شناسی رولان بارت نوع مقاله: مروری

رقیه رستم‌پور ملکی^۱* زینب ناظمیان^۲

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

چکیده

نشانه‌شناسی از جمله رهیافت‌های نوین در نقد ادبی است که یکی از ابزارهای مهم تحلیل متون ادبی به شمار می‌رود. در این راستا نظریه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت را می‌توان نوعی نشانه‌شناسی لایه‌ای دانست، که ابزار مناسبی برای رفع پیچیدگی‌های ادبی متون داستانی و رمزگشایی دلالت‌های موجود در آن به شمار می‌آید. رمان «مفتاح لنجوى» اثر «فتن المرّ» نویسنده معاصر لبنانی، با وجود سبک معاصر و ساختار چند لایه خود، می‌تواند نمونه خوبی برای پیاده‌سازی این نظریه باشد. این پژوهش، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با ارائه نمونه‌هایی از داستان مفتاح لنجوى به تحلیل این رمان از منظر رمزگان پنج‌گانه بارت می‌پردازد. اهمیت پژوهش از این رو است که داستانی مدرن و زنانه در ادبیات مقاومت عربی را با تکیه بر تفسیر سطوح و لایه‌های متعدد رمزگانی تحلیل می‌کند. لذا هدف این مقاله، تبیین دلالت‌های گوناگون نشانه‌ها، تحلیل رمزگان و حالات روحی - روانی برخی از شخصیت‌های این رمان است. از جمله دستاوردهای این پژوهش آن است که هر پنج رمزگان هرمنوتیک، نمادین و فرهنگی و معنایی و کنشی در این رمان به کار رفته و در پیش برد پیرفت‌های روایت مؤثر است؛ اما رمزگان فرهنگی نسبت به سایر انواع آن برجسته تر به نظر می‌رسد. این امر به خاطر برجسته بودن مفهوم مقاومت و اهمیت توجه به زن در این رمان است. رمان «مفتاح لنجوى» بر پایه نامه‌های الکترونیکی میان شخصیت‌های داستان و در فضای مجازی بنا شده است، از این رو زاویه دید دانای کل به کار نرفته است و سبک داستان به گونه‌ای است که ظرفیت برداشت‌های گوناگون از آن و نیز امکان خواندنی - نوشتنی شدن را فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مفتاح لنجوى، فتن المرّ، نشانه‌شناسی، رولان بارت، رمزگان.

مقدمه

یکی از مهمترین شاخه‌های نقد ادبی برای تحلیل و بررسی متون، نقد ساختارگرایانه است که توسط نظریه‌پردازان عرصه ساختارگرایی از جمله نشانه‌شناس برجسته فرانسوی رولان بارت مطرح گردید. الگوی پنج‌گانه بارت یکی از برترین مدل‌هایی است که از سوی نشانه‌شناسان برای تحلیل متن ارائه شد. به عقیده وی «هر متن از ترکیب پنج گروه از رمزگان برای ایجاد دلالت‌های متنی ساخته می‌شود. این رمزگان عبارتند از: هرمنوتیک، کنشی، نمادین و فرهنگی» (بارت، ۱۹۷۴: ۱۷-۱).

رمزگان هرمنوتیک یا معنایی در پی معماهای متن است. رمزگان کنشی، مرتبط با پیرفت‌های روایت است، رمزگان نمادین در تقابل‌های دوتایی درون متن است، رمزگان فرهنگی که چارچوب کلی متن در زمینه آن فراهم می‌شود و رمزگان معنایی که به دنبال واحدهای کمینه معنایی و معنای ضمنی آن می‌گردد.

این مقاله به بررسی ساختار رمان مفتاح لنجوی، اثر فتن المرّ و نیز رمزگشایی از نشانه‌ها و رموز آن می‌پردازد. برای نیل به این هدف بخشی از متن به واحدهای کوچک‌تر تقطیع می‌شود تا مشخص گردد چگونه رمزگان‌های درهم تنیده، یک متن منسجم و ساختمند تولید می‌کنند و اینکه رمزگان پنج‌گانه رولان بارت^۱ چگونه می‌تواند خواننده را در بازتولید متن، تحلیل حوادث و شخصیت‌های آن کمک کند. "بارت معتقد است که نمی‌توان برای همه داستان‌ها یک الگوی واحد یافت و هر داستانی با توجه چگونگی در هم بافته شدن رمزگان‌ها، یک الگوی مختص به خود دارد." (صادقی، بی تا: ۲۳)

اهمیت این پژوهش در این است که با تکیه بر تحلیل سطوح و لایه‌های متعدد رمزگانی به نقد رمان معاصر عربی در فضای مقاومت می‌پردازد. لذا هدف این مقاله، تبیین و تحلیل دلالت‌های گوناگون نشانه‌ها و رمزگان این رمان است. فلسفه انتخاب رمان «مفتاح لنجوی» نیز به دلیل موضوع مقاومت و توجه به زن می‌باشد.

۱. فتن المرّ (۱۹۶۹) نویسنده زن معاصر و ناقد لبنانی است. او دارای مدرک دکترای در رشته زبان و ادبیات فرانسه بوده و هم‌اکنون مشغول تدریس در دانشگاه لبنان است.

^۲.Roland Barthes

سؤالات پژوهش

- بر پایه نظریه رمزگان بارت، رمان «مفتاح لنجوى» چگونه تحلیل می‌شود؟
- کدام یک از رمزگان پنج‌گانه در این رمان برجسته‌تر است؟

پیشینه پژوهش

آثار متعددی وجود دارد که نظریه رمزگان بارت را مبنای کار تحلیل خود قرار داده است. پایان‌نامه "روایت شناسی داستان‌های معاصر فارسی: رویکرد زبان‌شناختی رمزگان‌های رولان بارت" از مهدی شام‌روشن و فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۰) در این تحقیق تلاش شده است با به کارگیری نظریه رمزگان بارت به روایت شناسی برخی از داستان‌های معاصر فارسی بپردازد و نشان دهد این متون داستانی تا چه اندازه نوشتنی هستند و کیفیتی باز و متکثر در تولید معانی مختلف دارند، یا اینکه خواندنی هستند و با ارائه متنی بسته خواننده را به مصرف‌کننده صرف معانی ثبت و قطعی تبدیل می‌کنند. مقاله "تحلیل داستان الغریب نجیب کیلانی بر مبنای رمزگان پنج‌گانه بارت" از قهرمانی و همکارانش (۱۳۹۸) این پژوهش سعی نموده است تا بر اساس الگوی ساختارگرایانه داستان را بررسی کرده و واحدهای پنج‌گانه موجود در آن را استخراج و رمزگشایی نماید تا میزان بهره‌گیری نویسنده داستان از اصول روایی برای انتقال اندیشه‌هایش را بسنجد. مقاله دیگر "تحلیل داستان شیخ صنعان بر اساس نظریه رمزگان رولان بارت" از فاطمه سلطانی (۱۳۹۶) است که یک حکایت را مبنای کار خود قرار داده و بیشتر به موضوع تمثیل پرداخته است. مقاله "بحثی درباره رمزگان‌ها از دیدگاه رولان بارت بررسی نشانه‌شناسی داستان خروس ابراهیم گلستان" از لیلا صادقی (بی‌تا)، موضوع اصلی این مقاله، هم‌نشینی نشانه‌ها و دلالت مفهومی آن‌ها و تکثر معنایی و موضوع معنا و تأویل است. نقطه عطف در پژوهش حاضر آن است که به تحلیل رمانی با ساختار مدرن، یعنی رد و بدل شدن ایمیل بر اساس نظریه بارت پرداخته است، در حالی که پژوهش‌های مذکور غالباً، ساختاری کلاسیک و رمزگونه داشتند. علاوه بر اینکه هیچ مقاله‌ای تاکنون داستان مفتاح لنجوى را از این منظر بررسی نکرده است.

مبنای نظری

رولان بارت نظریه پرداز و نشانه شناس فرانسوی معتقد است زبان از نشانه‌هایی تشکیل شده که مفهوم آن‌ها به رابطه بین دال و مدلول وابسته است. نویسنده «تنها می‌تواند نشانه‌هایی بدون مدلول ارائه دهد. درهای جهان همواره به دنیای معانی باز است.» (رسائل انتقادی به نقل از بازرگان، ۱۳۸۸: ۴) بارت متون را به دو دسته تقسیم می‌کند؛ متن نوع اول «خواندنی» و متن نوع دوم «نوشتنی» نامیده می‌شود. متن‌های خواندنی متن‌های هستند که خواننده در مقابل آن‌ها منفعل و مصرف کننده صرف است که به دنبال یک معنای ثابت است.

به گفته بارت در اس/زد (۱۹۷۰: ۴) در متن نوشتنی، شبکه‌های بسیاری بی‌آنکه یکی بر دیگری سلطه یابند، بر یکدیگر اثر متقابل می‌گذارند. این متن نوشتاری کهکشان دال‌هاست و نه ساختی از مدلول‌ها، بدون هیچ آغازی، برگشت‌پذیر بوده و با مدخل‌های گوناگونی می‌توان به این متن وارد شد که هیچ یک از مدخل‌ها نمی‌توانند مقتدرانه اعلام کنند که نقش اصلی متعلق به آن‌هاست. به عقیده بارت (۱۹۷۰: ۶)، هر تأویلی به اندازه خودش سهمی از حقیقت دارد، پرسش یعنی قاطعانه ابراز کردن تکرار وجود که البته محتمل و حتی ممکن نیست. چرا که هیچ چیز بیرون از متن وجود ندارد.

بارت در راستای تحلیل و تولید معنا در متن پنج رمزگان را مطرح کرده است، "از میان این پنج رمزگان دو مورد اول به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود، که این‌ها شامل رمزگان هرمنوتیکی و رمزگان پروآیتریکی هستند. سه رمزگان دیگر یعنی رمزگان نمادین، فرهنگی و رمزگان واحدهای کمینه معنایی ما را از مجموعه حوادث و منطق روایی داستان فراتر می‌برند." (صفی، ۱۳۹۱: ۷) مجموعه رمزگان به کار رفته در یک متن موجب تکرار معنایی متن شده و هر خواننده می‌تواند تفسیر و تأویل متفاوتی از آن داشته باشد.

خلاصه داستان

«مفتاح لنجوى» نوشته فاتن المر (۱۹۶۹م) نویسنده معاصر لبنان، روایتی معاصر از اوضاع مردم فلسطینی ساکن در اردوگاه شاتیلا است. نویسنده قصه خود را بر پایه نامه‌های الکترونیکی، تلفنی و گفتگو بین دو شخصیت اصلی داستان، بنا نموده است، ازین رو روای دانای کل در قصه وجود نداشته و تمام کنش‌ها و پیچ و خم‌های داستان ضمن گفتگوهای دو شخصیت اصلی روایت می‌شود. دیالوگ نقش مهمی در روایت دارد و «برای آنکه شخصیت‌ها بتوانند

بدون دخالت راوی با یکدیگر گفتگوی مستقیم داشته باشند، سبک دیالوگ بکار می‌رود، این شیوه گرایش‌های مختلف روح، روانی و فکری شخصیت‌ها را بروز داده و تعامل شخصیت‌ها با یکدیگر را نقل می‌کند. و گاه ممکن است انگیزه‌ها و توجیهات آن‌ها را کشف کند، چیزی که موجب نزدیکی شخصیت به واقعیت می‌شود» (عامر، ۲۰۱۰م: ۱۶۵). او برای روایت عمق فجایی که در صبرا و شتیلا و تل زعتر اتفاق افتاده است، به بیان تأثیر این حوادث بر زندگی مردم و حالات روحی و جسمی آن‌ها می‌پردازد. نویسنده برای بیان دغدغه‌ها و بحران‌های روحی جوانان امروز فلسطینی، راوی داستان خود را از بین نسل جدید فلسطینی‌ها انتخاب کرده است. دارین و نجوى دو دختر جوان مسیحی و مسلمان، از جوانان فلسطینی هستند که خانواده آن‌ها سال‌ها قبل از سرزمین خود فلسطین بیرون رانده شده‌اند. آن‌ها در دانشگاه با یکدیگر آشنا شده و داستان زندگی‌شان به هم گره می‌خورد.

تحلیل داستان بر پایه رمزگان پنج‌گانه بارت

رمان «مفتاح لنجوى» در سال ۲۰۱۳م به چاپ رسیده، و از نظر ساختار و محتوا در زمره ادبیات مقاومت و رمان‌های مدرن به شمار می‌رود. نگاه زنانه و ریزبینانه نویسنده نسبت به مسائل و مشکلات زنان در زندگی معاصر نیز از ویژگی‌های این رمان است. «از آنجا زنان، خود به تنهایی شرایط خاص زندگی را تجربه می‌کنند، لذا آن‌ها تنها کسانی هستند که می‌توانند از زندگی زن و جزئیات فکری و روحی خاص آن سخن بگویند» (نک: سلون، ۱۹۹۱م: ۲۱۴) در این بخش، همراه با توضیح هر یک از رمزگان، نمونه‌هایی از آن در رمان تحلیل خواهد شد.

رمزگان هرمنوتیکی

هرمنوتیک به معنای تأویل و تفسیر متن است. «ریشه واژه هرمنوتیک واژه یونانی به معنای تفسیر کردن، و به معنای روشن و قابل فهم کردن و شرح دادن است» (مکاریک، ۱۹۵۱: ۴۵۹). هاوکس (۱۹۹۷) می‌گوید: رمزگان هرمنوتیکی «عبارت است از همه واحدهایی که نقش‌شان عبارت است از طرح پرسش، پاسخ به آن و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن است یا سؤالی را صورت‌بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند یا حتی چپستانی را

مطرح کنند و ما را به سوی آن رهنمون سازند... این در واقع همان رمزگان داستان گویی است که به واسطه آن در روایت سؤالاتی به پیش افکنده می شود و تعلیق به وجود می آید و سرانجام به آن پاسخ داده می شود» (هاوکس ۱۹۷۷، ۱۶ به نقل از سجودی، ۱۵۴: ۱۳۸۷). بارت معتقد است هر متن از یک معمای اصلی که شالوده داستان بر آن بنا می گردد، و نیز تعدادی سؤال فرعی که تحت الشعاع سؤال اصلی قرار می گیرند، تشکیل می شود (بارت، ۱۹۷۴: ۱۷).

به کمک رمزگان هرمنوتیکی* می توان معماهای موجود در متن داستان را تشخیص داد، طرح و تقریر کرد، در تعلیق گذاشت و در نهایت حل کرد. بارت معتقد است: "کارکرد این رمزگان تبیین گونه گون یک پرسش، پاسخ آن و انواع رخدادهای تصادفی است که با آنها می-توان آن پرسش را مطرح کرده یا پاسخ آن را به تعویق انداخت؛ یا حتی معمایی مطرح کرد و راه حل آن را نشان داد" (بارت، ۱۹۷۰: ۱۷) از جمله پرسش هایی که در رمزگان هرمنوتیک مطرح می شود: این موضوع درباره کیست؟ چه اتفاقی در شرف وقوع است؟ مشکل چیست؟ قهرمان چگونه به هدف خود می رسد؟

در داستان مفتاح لنجوی با معماهای متعددی روبرو هستیم، برخی از آنها اصلی هستند که تا پایان قصه مبهم باقی مانده و در نهایت رمزگشایی می شوند و برخی دیگر فرعی بوده و در جریان داستان به آنها پاسخ داده می شود. «در واقع هر روایتی صلاح را در آن می بیند که حل معمایی را که خودش طرح می کند، به تأخیر بیندازد، چون حل شدن معما ناقوس مرگ روایت را می نوازد» (همان، ۱۹۷۰: ۱۷) برای نمونه به برخی از معماهای این داستان اشاره می-شود:

اصلی ترین معمای این داستان با مشاهده عنوان آن به ذهن خطور می کند، «مفتاح لنجوی»، دلالت نهفته در این عنوان (کلیدی برای لنجوی) چیست؟ کلید یک نشانه است که با قرارگرفتن در بافت های مختلف، حاوی دلالت های گوناگونی می گردد. از آنجا که کلید نماد راه حل و کشف حقیقت است، می توان پرسید چه چیزی به لنجوی در کشف حقیقت کمک می کند؟ در اوایل رمان دارین به قصه عمه اش اشاره کرده و می گوید: "ربما تكون هذه القصة مفتاح" شاید این داستان کلید حل معما باشد (المر، ۲۰۱۳: ۸). سخن او ظاهراً پاسخی به معمای عنوان رمان است، اما در ادامه مشخص می شود جزئیات بیشتری وجود دارد که هنوز آشکار

*hermeneutic

نشده است. راز صندوقچه مادر بزرگ دارین چیست؟ دارین در یکی از یادداشت‌های روزانه خود از صندوقچه قدیمی سخن می‌گوید که حاوی نامه‌های قدیمی است، این صندوقچه چه ارتباطی با قصه دارد؟ شخصیت‌های اصلی رمان، به دنبال کشف چه حقیقتی هستند؟ (نک: المُرّ، ۲۰۱۳: ۵)

علت تغییر رفتار کریم برادر نجوى چیست؟ سکوت پدر نجوى و سخن گفتن او پس از سال‌ها چه مفهومی را می‌رساند؟ چه حادثه‌ای در تل زعتر و شاتیلای اتفاق افتاد؟ نویسنده از زبان شخصیت‌های داستان، برخی از حوادث دردناک اردوگاه‌های شاتیلای زعتر، نهر بارد را حکایت می‌کند، گویی قصد دارد مخاطب را نسبت به این وقایع و سرنوشت مردمان فلسطین کنجکاو کند. این نوع ارجاع در زمره رمزگان فرهنگی به‌شمار می‌آید. «نقاط مبهم، تعلیق‌ها و سؤال‌های بی‌پاسخی که برای خواننده داستان ایجاد می‌شوند، همگی به تکثر معنایی متن (چند معنایی) کمک می‌کنند و بیشتر در زمره رمزگان نشانه‌شناختی قرار می‌گیرند.» (شاگستاسی، ۱۳۹۸: ۹)

ایمیل‌هایی که رنده (عمه‌ی دارین) برای غسان (معشوق قدیمی) فرستاده است بر خلاف سایر ایمیل‌ها، یک طرفه و بی‌پاسخ هستند (نک: المُرّ، ۲۰۱۳: ۱۲۷-۱۳۷). یک طرفه بودن ایمیل‌ها چه مفهومی دارد؟ عشق یک طرفه یا مرگ غسان؟ انتظار طولانی و تنهایی عاشق را می‌توان از تکرار ایمیل‌های بی‌پاسخ برداشت نمود. مداومت رنده در نوشتن عواطف، حالات روحی و جسمی خود در ایمیل (فضای مجازی) ممکن است نوعی تخلیه هیجانی باشد، چرا که او به خاطر خفقان و محیط بسته زندگی خود، نمی‌تواند احساسات واقعی‌اش را در فضای حقیقی با کسی در میان بگذارد.

چه حادثه‌ای در گذشته خانواده نجوى روی داده است؟ چرا نجوى از رشید فرار می‌کند؟ عاقبت جلال برادر رشید چه شد؟ چه چیزی باعث ارتباط بسمه (خواهر نجوى) با تاجر جوان شده است؟ دلیل تصمیم ناگهانی خواهر نجوى به تعطیلی فروشگاه چیست؟ علت غیبت ناگهانی غسان چیست؟ تابلویی که دارین در صندوقچه دیده است با تابلوی اتاق استاد ابو فداء، چه ارتباطی دارد؟ گمشده حقیقی نجوى و دارین چیست؟ تلاش برای یافتن دکتر غسان، آن دو را با در کشاکش فرار از هویت ملی یا ماندن و مقاومت قرار می‌دهد.

آیا قصد نویسنده از بیان قصه عشق رنده و دکتر غسان تنها روایت داستانی عاشقانه با پایانی خوش است؟ ارتباط این قصه با رمزگان اصلی رمان یعنی مقاومت چیست؟

در پایان داستان، شاهد دلالتی هستیم که در عنوان رمان «مفتاح» رمزگذاری شده است. موفقیت نجوی و دارین در یافتن دکتر غسان و رساندن عاشق و معشوق به یکدیگر، به آن‌ها امید دوباره می‌دهد، امید به پیروزی انتفاضه و بازگشت فلسطینیان به سرزمین خود. آن‌ها موفق به راه اندازی یک پروژه مشترک می‌شوند و از رؤیایی سخن می‌گویند که در آینده قرار است به واقعیت تبدیل شود. انقلاب آن‌ها انقلاب کلیدهاست و کلید مدرک و نشانه حق مالکیت مردم فلسطینی در خانه و زمین است. قرار است طی فراخوانی از همه فلسطینیان ساکن در لبنان، سوریه، اردن و مصر بخواهند که به مرزها آمده و خیمه بزنند و به همه جهانیان اعلام کنند که باز خواهند گشت. نام حرکت جمعی آن‌ها «حق العوده» است (حق بازگشت). سلاح آن‌ها کلیدها، اسناد و مدارک مالکیت خانه‌ها و اراضی است، تا بتوانند بواسطه آن از یک سو رژیم صهیونیست و جامعه بین الملل را تحت فشار قرار بدهند و از سوی دیگر روحیه انقلابی و حماسی را در جوانان فلسطینی احیا کنند. "غالباً ما یکون النجاح مترادفاً للبطاسة. وغالباً ما یکون ایمان أكثر ضرورة من النجاح." (المر، ۲۰۱۳: ۱۹۸)

در نگاه اول به نظر می‌رسد که همه گره‌ها یک به یک باز شده و خواننده به پاسخ معماهای مطرح در متن می‌رسد، اما استفاده نویسنده از ساختار دیالوگ در فضای مجازی و آوردن داستان‌های مختلف در دل داستان اصلی، این فرضیه را مطرح می‌کند که شاید تأویل و تفسیر داستان، به همان سادگی که در ابتدا به نظر می‌رسد نباشد، بلکه بتوان معانی و تأویل‌های متعددی برای آن یافت.

رمزگان کنشی

رمزگان پروآیترتیک* یا رمزگان کنشی، که کنش‌های شخصیت‌ها را به صورت پیرفت‌های روایی سازمان می‌دهد (مکاریک، ۱۹۵۱: ۱۳۶)؛ این رمزگان به کنش‌های موجود در داستان و اثرات آن‌ها ارتباط پیدا می‌کند، مجموعه‌ای از کنش‌ها که کل روایت را به جلو می‌برد. در حقیقت،

*proiretic

"این رمزگان با زنجیره رویدادها سرو کار دارد که در جریان خواندن یا گردآوری اطلاعات که روایت به ما می‌دهد، ثبت می‌شود و نامی به خود می‌گیرد؛ مثلاً می‌گوییم صحنه مربوط به قتل، صحنه دستگیری و غیره" (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

ساختار این رمان در قالب ایمیل بنا شده، و هر ایمیل حاوی کنش یا کنش‌هایی است که داستان را به پیش می‌برد. اولین کنش مربوط به بازدید دارین از اردوگاه شاتیلا و تعجب او از وضعیت نابسامان ساکنان اردوگاه است (نک: المرّ، ۲۰۱۳: ۵). کنش تصمیم شخصیت‌های اصلی به انجام مأموریتی که عمه دارین از او خواسته است. (نک، همان: ۵-۶) کنش دیگر گفتگو بین نجوی و رشید است. (نک: المرّ، ۲۰۱۳: ۸۲) صحنه حضور دارین در اردوگاه الجلیل و گفتگو با امّ مصطفی (نک، همان: ۱۰۳-۱۰۴). کنش مربوط به حادثه نهر البارد (نک: المرّ، ۲۰۱۳: ۱۴۱-۱۴۲) صحنه مربوط به اخبار جنگ نهر البارد و زخمی شدن کریم (نک، همان: ۱۴۸-۱۴۹). کنش ورود نجوی به فروشگاه خواهرش (المرّ، ۲۰۱۳: ۵۴). حجم ایمیل‌هایی که بین نجوی و دارین رد و بدل می‌شود به تناسب شرایط آن‌ها تغییر کرده، و از این رو شرایط زندگی و حالات روحی آن‌ها برای مخاطب ملموس‌تر می‌شود. ایمیل‌هایی که در روزهای جنگ، آشفتگی و بی‌خبری از حال دوستان و آشنایان نوشته می‌شود، یا ایمیلی که خبر از فوت کریم برادر نجوی می‌دهد خیلی کوتاه و گاه در حد دو کلمه است. (نک: المرّ، ۲۰۱۳: ۱۴۷-۱۵۰) این سبک از نوشتار و تغییر حجم مکالمات به فراخور شرایط، خواننده را در ترسیم فضای داستان و همزادپنداری با شخصیت‌ها یاری می‌کند. همچنین می‌توان به کمک بررسی نوع کنش‌های افراد به احوالات درونی و هیجانی آن‌ها پی برد. حالاتی چون اضطراب، افسردگی، ناامیدی و ترس از ایمیل‌های خیلی کوتاه برداشت می‌شود. اهمیت شخصیت‌های روایی در نظریه‌های معاصر از این رو است که جایگاه مهمی که در زندگی اجتماعی، فکری و زیبایی شناسی داشته و کمک می‌کنند بسیاری از ویژگی‌های پنهان وجود خود را بشناسیم. «زیرا شخصیت روایی این قدرت را دارد که نیمه ناشناخته وجود دیگران را برای آن‌ها آشکار، و برای هر یک از مردم جنبه پنهانی وجود آن‌ها را کشف کند. شاید اگر این ارتباط ایجاد نمی‌شد، آن‌ها هرگز موفق به کشف بعد دیگر شخصیت خود نمی‌شدند» (مرتاض، ۱۹۹۸: ۷۹).

رمزگان معنایی

رمزگان معنایی* یا دالی به معانی ضمنی مربوط می‌شود که غالباً در شخصیت پردازی یا توصیف به کار گرفته می‌شود؛ به عبارت دیگر مقصود از آن "رمزگان‌های معنای ضمنی است و به همه دلالت‌های ضمنی مربوط می‌شود که خصوصیت‌های شخصیت‌ها یا کنش‌ها را می‌سازد." (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷) باید توجه داشت وقتی عبارت ضمنی برای دال‌ها به کار می‌رود، منظور این است که آن‌ها به صورت غیر صریح بر یک ویژگی یا شخصیت یا مکان خاص دلالت کنند؛ ویژگی که از عناصر مختلف متن روایی مثل واژگان یا جملات گرفته می‌شود و این فراتر از معنای مستقیم عبارت است (بارت، ۲۰۰۲: ۴۲ و ۵۰) به عبارت دیگر، این رمزگان دلالت‌های شخصیت، مکان یا یک شیء است (راغب، ۱۳۸۷: ۲۰). به طور مثال، در رمان سارازین، "جمله «ساعت الیزه-بوربون تازه به صدا درآمده بود و فرا رسیدن نیمه شب را اعلام کرده بود»، به شکل ضمنی بر ثروت بادآورده و ناسالم دلالت دارد." (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۵) مجموع این دلالت را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم نمود: معانی ضمنی جملات و دلالت ضمنی اسم‌ها. از میان معانی ضمنی جملات این رمان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. در رمان فتن الممر، برق انداختن ظرف‌های فلزی معنای ضمنی فقر را در بر دارد و فلزی بودن ظرف‌ها تداعی کننده فضای زندان است. مادر نجوی به خاطر عشق به خانواده‌اش بزرگوارانه به کارهای خانه می‌پردازد، اما تکرار تمیز کردن زمین می‌تواند نشان دهنده فرار مادر نجوی از فشار روحی باشد که به خاطر زندگی در اردوگاه و نگرانی برای سرنوشت فرزندانش تحمل می‌کند.

۲. صندوقچه مادر بزرگ دارین با توجه به محتویات آن، نمادی از اردوگاه‌های فلسطینی است، کوچه‌هایی، تنگ و تاریک پراز داستان و حکایت درباره وطنی گمشده است که برای نسل جدید رو به فراموشی می‌رود.

۳. آیینۀ درون صندوقچه چه مفهومی را منتقل می‌کند؟ "مرآة قدیمة، محفورة في بعض الأماكن، لكنها أليفة، تعكس صورة جميلة لوجهي. هناك مرايا تضرّر شراً للناظر فتعكس صورة غريبة لا يتعرف فيها إلى نفسه." (الممر، ۲۰۱۳: ۷۳) انعکاس تصویری زیبا از چهره فرد، بر خلاف بسیاری از آیینه‌ها که تصویر واقعی شخص را منعکس نمی‌کنند، تا جایی که ممکن است

*codes of semes

شخص تصویر خود در آینه را نشناسد. معنای ضمنی این آینه، می‌تواند تأثیر حضور در اردوگاه و همنشینی با فلسطینیان باشد، که همچون آینه‌ای هویت گمشده دارین را به او نشان می‌دهد، بر خلاف زندگی در محیط مرفه شهر و در کنار خانواده‌اش، که باعث شده تصویری ناآشنا و بی هویت از خویش داشته باشد، زیرا والدین او هرگونه تلاش برای شناخت اصالت فلسطینی را بیهوده می‌پندارند. محدودیتی که خانواده دارین در این زمینه برایش ایجاد کردند، موجب نوعی رفتار جبران افراطی در دارین شده و حالات شخصیتی خاصی در وی وجود آورده است، او با اشتیاق به سمت تجربه چیزهایی می‌رود که همیشه از آن منع شده است.

۴. اشاره دارین به کلید این صندوقچه، این فرضیه را تقویت می‌کند که صندوقچه مادر بزرگ دارین نمادی از اردوگاه‌های فلسطینی باشد. "وفیها المفتاح، کما المفتاح المعلق عند المدخل فی بیت نجوى." (المرّ ۲۰۱۳: ۷۳)

۵. گم شدن دکتر غسان شاید بر هویت گم شده نسل جدید فلسطینی‌ها و ناامیدی آن‌ها از پیروزی و بازگشت به سرزمین‌شان فلسطین دلالت کند. انتظار طولانی رنده برای بازگشت غسان نماد چیست؟ از آنجا که در اکثر روایات مقاومت «زن» نماد وطن است؛ می‌تواند نمادی از انتظار بازگشت به فلسطین (وطن) باشد، همانطور که فلسطین و سرزمین قدس در انتظار بازگشت ساکنان اصلی خود همچنان پابرجاست. بیماری رنده و حال وخیم او نیز مفهوم ضمنی وخامت شرایط قدس و کشور فلسطین را در بر دارد.

۶. برخی از تعبیر و ضرب المثل‌ها می‌توانند در زمره رمزگان معنایی قرار گیرند؛ مانند عبارت "ولکنه لم ینجح فی ذرّ الرماد فی العیون، وبقي الجميع یروونه علی حقیقته.." (همان، ۲۰۱۳: ۴۳) ریختن خاکستر در چشم‌ها به معنای پنهان کردن حقیقت از دیگران است، مقصود از عبارت بالا این است که او نتوانست شخصیت حقیقی خود را از دیگران پنهان کند.

دلالت ضمنی اسم‌ها: اسم شخصیت‌ها در اکثر روایات می‌تواند حامل معنای خاصی باشد. (غسان) نام یکی از نویسندگان داستان‌های مقاومت یعنی «غسان کنفانی» است، و نام او چند بار در رمان از زبان شخصیت‌های مختلف تکرار می‌شود.

نجوى: "فی رأسی ترنّ کلمات غسان کنفانی عن باب الحزان الذي لم یطرقه مسافروه الهاربون نحو حیاة أفضل وأفکار صاحبة عن التاريخ الذي لا یسأم من إعادة نفسه." (همان: ۶۵ و ۱۸۸)

شنیدن این نام تداعی‌کننده قضیه انتفاضه، مقاومت مردم فلسطین و رؤیای بازگشت به سرزمین مادری است. از این رو شاید، غسان خطیب (استاد ابو فداء) نمادی از مردم آواره فلسطین بوده و عشق پاکی که بین او و رنده وجود دارد، نمادی از عشق به فلسطین و مقاومت باشد.

نام (نجوی) که از شخصیت‌های اصلی رمان است، دارای بار معنایی خاصی است که با پیرفت داستان و عملکرد شخصیت در طول روایت ارتباط تنگاتنگی دارد. (النجوی) اسمی است که از مصدر مناجاه گرفته شده است. نجوی: اسرار و عواطفی را که در دل دارد با کسی راز بگوید (المنجد، ۱۳۸۲: ۷۹۳). شخصیت نجوی از ابتدا تا انتهای داستان احوالات درونی و عواطف خود را از طریق ایمیل با دوست خود دارین در میان می‌گذارد، احوالاتی که خانواده او از آن بی خبر هستند. در واقع نام نجوی در برخی از کنش‌های این شخصیت کاملاً مصداق یافته است.

رمزگان نمادین

رمزگان نمادین* در واقع همان تقابل‌های دوگانه درون متن است که "موجودات و رخداد-های خاص را به مفاهیم مجرد و عام پیوند می‌دهد" (مکاریک، ۱۹۵۱: ۱۳۸) به تعبیر دیگر عبارت است از اینکه "یک متن چگونه در تقابل‌های دوگانه سامان می‌یابد. بنابراین، در قالب این رمزگان، ما باید به دنبال مجموعه‌ای از جفت‌های متضاد دوقطبی بگردیم که به متن معنا می‌دهند؛ به بیان دیگر، رمزگان نمادین به الگوهای تضاد و تقابلی اشاره می‌کند که در یک متن می‌توان مشاهده کرد" (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

تقابل‌های دوگانه بسیاری در این داستان وجود دارد. تقابل دیدگاه‌ها، اماکن، اشخاص، مفاهیم. «به تعریف بارت کارکرد این تقابل‌ها مفهوم‌سازی نشانه‌های موجود در متن است» (صفی و سلامی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). نویسنده رمان حاضر نیز از این تقابل‌ها برای مفهوم‌سازی نشانه‌های مورد نظر خود بهره جسته است. تقابل‌های داستان، شامل تقابل اماکن و محیط زندگی شخصیت‌های اصلی است که به بعد مکانی روایت مربوط می‌شود. همچنین از ابتدای داستان شاهد تقابل نوع نگاه شخصیت‌های اصلی، یعنی نجوی و دارین و تفاوت این دو

*.symbolic

هستیم. آن‌ها در واقع نماد نسل جدید فلسطینی‌ها هستند، نجوى و دارین با شرح شرایط زندگی خود برای یکدیگر، تصویری ذهنی از فضای زندگی خود برای خواننده ایجاد می‌کنند. تفاوت شخصیت‌های اصلی داستان، ناشی از تفاوت سطح طبقاتی و فرهنگ خانوادگی آن‌ها است، موضوعی که از همان ابتدا برای مخاطب آشکار می‌شود. تفاوت نگاه دارین با خانواده‌اش، وفاداری به وطن یا فراموش کردن آن. او به دنبال شناخت ملیت و قهرمان‌های وطن خود است و از آنجا که نمی‌خواهد تنها نظاره‌گر اوضاع باشد، تصمیم به مشارکت در باشگاه النادی می‌گیرد.

"فأعلنت لهم النبأ عندما اجتمعنا حول الغداء. أخي وأختي تابعا طعامهما دون أن يكترا. أمي صعقت وسألت ما الغرض من كلّ ذلك، فأجابها والدي: احسبیه عملاً خيراً كالذي تقمن به في الأخوة. تضاعفت دهشتها فمنعته من الإجابة." (المرّ، ۲۰۱۳: ۱۰۵)

بی‌توجهی خانواده دارین از مسئله فلسطین، بی‌تفاوتی و سردی روابط آن‌ها، از بازخورد کلام دارین کاملاً مشهود است.

جستجو در اردوگاه‌های فلسطینی تصویر واقعی‌تری از فلسطین به دارین می‌دهد. (نک: المرّ، ۲۰۱۳: ۴۲-۳۸ و ۱۰۲-۱۰۱) مکان روایی ممکن است از نقش خود به عنوان چارچوب حوادث فراتر رفته، و در شخصیت‌ها تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد؛ وقتی راوی «حالت فکری و روحی قهرمانان را به محیطی که در آن هستند ارتباط می‌دهد، در واقع موجب می‌شود مکان از نقش دکور و چارچوب حوادث فراتر رود» (حمدانی، ۱۹۹۱: ۷۱). تقابل ثروت و فقر از تقابل‌های است که در جای جای داستان نمود می‌یابد. اولین توصیف نجوى از اردوگاه، سر و صدای زیاد در فضای آن است: "أتعرفین أكثر ما یزعجنی فی المخیم؟ الضجیج، ذلک الضجیج المتواصل والمؤلف من شتی أنواع الأصوات المزعجة.." (المرّ، ۲۰۱۳: ۶)

زندگی در اردوگاه با شرایط بهداشتی نامناسب، نبود نور خورشید، جاری بودن آب‌های آلوده در کوچه‌ها، همراه با منظره انبوهی از سیم‌های برق متراکم که به صورت نامنظم کشیده شدند. در نزدیکی این اردوگاه‌ها و در تقابل با این فضا، آپاتمان‌های پر زرق و برق بیروت قرار دارد، تبعیض آشکاری که دل ساکنان اردوگاه را بیشتر به درد می‌آورد.

تقابل دیگر تقابل پذیرش واقعیت و خیال‌پردازی است، شرایط زندگی نجوى و دارین موجب شکل‌گیری ویژگی‌های متفاوتی در آن دو شده است. دارین به فردی واقع‌گرا و

حقیقت جو تبدیل شده که به دنبال جبران محدودیت‌هایی گذشته زندگی خود است، در حالی که نجوی ترجیح می‌دهد از واقعیت تلخ زندگی خود و هموطنانش فرار کرده و رؤیاهای خود را به تصویر بکشد: "أما أنا فأتعلم الرسم.. سأتمكن فيه من أن أفرغ عواطفی وأفکاري ألواناً وخطوطاً فوق القماش. ربما سيكون هذا هو منفذی من المنتاهة. أتمسک بالفكرة كما تتمسکین بکتابک." (المرء، ٢٠١٣: ٢٩)

نمونه دیگر تقابل در این داستان سکوت و پرگویی است. وقتی پدر نجوی از روایت ادامه حوادث در اردوگاه منصرف می‌شود به دارین می‌گوید که انسان برای نجات از یادآوری حوادث تلخ گذشته دو راه دارد پرگویی یا سکوت. "ينقذک الکلام الكثير الذي لا يتوقف عما حصل أو الصمت التام." (المرء، ٢٠١٣: ٧٦)

او سکوت را انتخاب کرده، در حالی است که مادر نجوی برای التیام دردهای خود به سخن گفتن زیاد پناه می‌برد.

تقابل دیگر تقابل تردید و یقین است که در تردید نجوی نمود می‌یابد، تردید در همراهی قهرمانانی چون استاد ابوفداء و جوانانی چون رشید و ایستادن در برابر ظلم حتی به صورت فردی، با این امید که در آینده به یک حرکت جمعی تبدیل شود، یا فرار از شرایط سخت و نجات خود، راهی که جلال برادر رشید و برخی دیگر از جوانان فلسطینی انتخاب کردند. (نک: المرء، ٢٠١٣: ١٠٦) این تردید از ابتدا تا اواخر داستان با نجوی همراه است.

رمزگان نمادین (تقابل) در این داستان پر تکرار است و راوی آگاهانه مخاطب را به تأمل در مورد نظرات مختلف و گاه متقابل دعوت می‌کند.

رمزگان فرهنگی

رمزگان فرهنگی یا ارجاعی، از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از جایی به جایی دیگر متفاوت است، این رمزگان "هنگامی بکار گرفته می‌شود که متن برای شکل دادن معنا، خواننده را به استفاده از دانش خود از جهان واقعی فرا می‌خواند" (مکاریک، ١٩٥١: ١٣٨) رمزگان فرهنگی صدای خرد انسانی است که مقتدرانه در مورد موضوعی سخن می‌گوید؛ که در این روایت در قالب سخنان شخصیت‌ها، اعم از اصلی یا فرعی بروز می‌یابد. در اینجا به برخی از رمزگان فرهنگی موجود در داستان اشاره می‌شود:

استقلال زن: نجوى به دنبال ازدواج با مردى لبنانى است، تا بتواند زندگى در رفاه و به دور از جنگ و مبارزه را براى وى فراهم کند. نجوى سعى مى‌کند به روابط عاطفى نزدیک وارد نشود، و همین امر موجب شده احساسات رشید را نادیده بگیرد. رویکرد دارین در مورد این قضیه متفاوت است: «لا أوافقك الرأى، كما أنّي لا أفهم خياراتك... فلسطيني أم لبناني، أنت لا تحتاجين إلى رجل لتحقيقي ذاتك وطموحاتك. هل تعتقدین أنّ السعادة تأتي آلياً فور عشورك على زوج لبناني؟» (فاطن المرّ، ۲۰۱۳: ص ۶۷)

نویسنده در قالب پاسخ دارین، یکى از دغدغه‌های اصلی خود را بیان کند، و آن اهمیت عدم وابستگی زن به خانواده یا همسر، براى رسیدن به اهدافش است.

آگاهی از هویت، اصالت و مسائل روز: در طول داستان شاهد تغییرات بسیارى در شخصیت‌ها هستیم. یکى از مهمترین این تغییرات تغییر رویکرد نجوى و دارین و اهتمام آن‌ها نسبت به سرنوشت فلسطین و بهبود شرایط اردوگاه است.

توجه به خواسته‌های طبیعى روحى و جسمى زن: از جمله رمزگان فرهنگى در این رمان توجه به شخصیت زن و حقوق طبیعى او به عنوان یک انسان است.

فرهنگ مقاومت: رمزگان فرهنگى دیگر در این رمان، مقاومت است که همچون تصویر زمینه در همه جای داستان به چشم مى‌خورد؛ گفتگوها، سبک زندگى، خاطرات تلخ و شیرین شخصیت‌ها، همه بیانگر ارزش مقاومت و ایستادگى در برابر دشمن، و انگیزه مبارزه براى بارگشت به فلسطین است. گاه در میانه گفتگوها، و گاه با بیان تعبیرى چون «وین رام الله وین رام الله» (المرّ، ۲۰۱۳: ۱۰۷) یا آوازه‌های محلی فلسطینى بیان مى‌شود که همگى نشان از روحیه مقاومت و ایستادگى در برابر دشمن، و مبارزه براى پس گرفتن خاک فلسطین است.

نتیجه

رمان «مفتاح لنجوى» اثر فاطن المرّ، نوشتارى زنانه است که نگاه ریزبینانه آن به مسائل جارى زنان و جوانان در کشورهای عربى، در همه جای داستان مشهود است. هر پنج رمزگان

هرمنوتیک، نمادین، فرهنگی، معنایی و کنشی در این رمان بکار رفته و پیوستگی دلالت‌ها و تعدد رمزگان در این رمان موجب شکل‌گیری لایه‌های متعدد معنایی شده است. هر یک از رمزگان نقش خود را در کمک به تحلیل متن ایفا می‌کنند؛ رمزگان هرمنوتیک و کنشی، فرم روایی رمان را شکل می‌دهند و سه رمزگان دیگر این امکان را فراهم می‌کنند که از معنای ظاهری فراتر رفته و به لایه‌های پنهان آن دست یابیم. در واقع ساختار چند لایه این رمان نشان می‌دهد که این متن دارای معانی باطنی و تأویل‌های نهفته است. اما رمزگان فرهنگی نسبت به سایر انواع رمزگان برجسته تر است.

داستان مفتاح لنجوی دارای معماها یا رمزگان هرمنوتیک متعدد اصلی و فرعی است، که در طول روایت یک به یک رمزگشایی می‌شوند. در واقع طرح معما در داستان، تعویق در پاسخگویی به آن‌ها و استفاده از تقابل موجود در رمزگان نمادین نقش مهمی در شکل‌گیری ساختار چند لایه این داستان داشته است. آنچه به تکرار معنایی متن (چند معنایی) کمک می‌کند؛ تعلیق‌ها و سؤال‌های بی‌پاسخی است که برای خواننده ایجاد می‌شود، و می‌تواند در زمره رمزگان نشانه‌شناختی قرار گیرد.

از تقابل‌های موجود در این داستان عبارت است از: تقابل تسلیم و مقاومت، مقاومت و مهاجرت، تسلیم و مبارزه، امید به بازگشت و ناامیدی و فرار، عشق و نفرت، صمیمیت و سردی روابط، وابستگی و استقلال، واقعیت و خیال، جهل و آگاهی، تردید و یقین، اعتماد و بی‌اعتمادی، منفی‌گرایی و مثبت‌اندیشی.

رمزگان هرمنوتیک، نمادین، معنایی و کنشی در این رمان شناخت روحیات شخصیت‌ها و عواطف درونی آن‌ها را میسر می‌سازند. رمزگان کنشی نیز در کنار رمزگان هرمنوتیک و نمادین تفاوت کنش شخصیت‌ها در موقعیت‌های مختلف، کشمکش درونی و گره‌های عاطفی آن‌ها را نشان می‌دهد. رمزگان معنایی نیز علاوه بر معنای ضمنی تعبیر، به تبیین احوالات درونی افراد و تفسیر رفتار آن‌ها کمک می‌کند. در نتیجه با استفاده از این رمزگان، می‌توان تحلیلی از احوالات درونی برخی از شخصیت‌های این رمان ارائه نمود؛

محیط زندگی نجوی و دارین موجب شکل‌گیری ویژگی‌های متفاوتی در آن‌ها شده است. تولد نجوی در اردوگاه و زندگی در خانواده‌ای با تجربه دردناک در گذشته، داشتن مسئولیت زیاد در خانه، و محیط بسته زندگی او، موجب به وجود آمدن این حالات در وی شده است؛

احساس نا امنی، عدم حس تعلق به وطن، خیال پردازی به جای پذیرش واقعیت، احساس وابستگی و نیاز به فردی ناجی، انزوای اجتماعی، اجتناب از بیان احساسات و نیازهای واقعی خود، خود انکاری و رفتار انتقاد گرایانه.

سکوت پدر نجوى در مورد اتفاقات تلخ گذشته، در واقع حالت دفاعی او برای آسیب کمتر است. در حالی که مادر نجوى برای التیام زخم‌های روحی خود به پرگویی و کار زیاد در خانه پناه برده است.

روابط سرد و سکوت بین اعضای خانواده دارین برای اجتناب از درگیری و ایجاد تنش از سوی مادر خانواده، عدم وجود ارتباط کلامی در خانواده، محدود نمودن فرزندان از کنجکاوی در مورد اصالت خود، موجب شده است که دارین به اجتناب و فرار روی بیاورد. زندگی مستقل از خانواده و فاصله گرفتن از آن‌ها، عدم اعتماد به افراد، عدم ثبات در روابط عاطفی، سعی در جبران محدودیت‌های دوران کودکی، داشتن کنش‌هایی کاملاً مخالف با خانواده، حس درک نشدن، از ویژگی‌های شخصیتی است که در دارین به چشم می‌خورد.

به نظر می‌رسد تم اصلی و پررنگ رمان مفتاح لنجوى مفهوم مقاومت و پایداری و اهمیت توجه به مسائل زنان باشد. و این امر منجر به برجسته شدن رمزگان فرهنگی در مقایسه با سایر رمزگان شده است. فرهنگ مقاومت، اهمیت حفظ استقلال و شخصیت انسانی زن و نیز بها دادن به خواسته‌های عاطفی و جسمانی او رمزگان فرهنگی بارزی است که در سرتاسر رمان، و از زبان شخصیت‌های مختلف به آن پرداخته شده است.

ساختار این رمان بر اساس انواع روش‌های گفتگو یا دیالوگ شکل گرفته است، و زاویه دید دانای کل، نامحدود یا محدود در داستان وجود ندارد، بلکه شخصیت‌های داستان از طریق نامه‌های الکترونیکی (ایمیل) و در فضای مجازی با یکدیگر سخن می‌گویند. به طوری که در هر صفحه یک پیام یا ایمیل دیده می‌شود، بی‌آنکه بین این پیام‌ها شرحی نوشته شده باشد. بنابراین از نظر زاویه دید نیز چرخش راوی وجود دارد. این سبک از نوشتار و تغییر حجم مکالمات به فراخور شرایط، خواننده را در ترسیم فضای داستان و همزادپنداری با شخصیت‌ها یاری می‌کند. سبک داستان به گونه‌ای است ظرفیت برداشت‌ها و تأویل‌های گوناگون از آن وجود داشته و امکان خواندنی- نوشتنی شدن را دارد؛ زیرا هر یک از مخاطبان آن می‌توانند به صورت فعالانه و آزاد، این رمان را بخوانند و برداشت شخصی خود را از آن داشته باشند.

منابع

کتاب:

- آلن، گراهام (۱۳۸۵). *رولان بارت*. ترجمه پیام یزدانخواه. تهران: نشر مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۸۲). *لدت متن*، ترجمه: پیام یزدانجو، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
- بارت، رولان (۱۳۸۷) *درآمدی بر تحلیل ساختاری روایت‌ها*، ترجمه محمد راغب، تهران، فرهنگ صبا.
- بارت، رولان (۲۰۰۲م)، *مدخل إلى التحليل البنيوي للقصص*، ترجمه: منذر عياشي، چاپ دوم، حلب، مرکز الإنماء الحضاري.
- چندلر، دانیل، (۱۳۸۷ش). *مبانی نشانه شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- سجودی، فرزانه، (۱۳۸۷). *نشانه شناسی کاربردی*. تهران: علم.
- سلون، رمان، (۱۹۹۱م). *النظرية الأدبية المعاصرة*، ترجمه: جابر عصفور، چاپ اول، قاهره، دار الفكر.
- عمر، عزه عبداللطيف. (۲۰۱۰م). *الراوي وتقنيات القصص الفني*. قاهره، الهيئة المصرية العامة.
- لحماني، حميد، (۱۹۹۱م). *بنية النص السردی من منظور النقد الأدبی*، چاپ اول، بيروت، المركز الثقافي العربي.
- المرّ، فاتن، (۲۰۱۳). *مفتاح لنجوى*، چاپ اول، بيروت-لبنان، دار الآداب.
- مرتاض، عبد الملك. (۱۹۹۸م). *في نظرية الرواية (بحث في تقنيات السرد)*، كويت، عالم المعرفة.
- معلوف، لويس (۱۳۸۲). *المنجد في اللغة*، چاپ اول، قم، مؤسسه انتشارات دار العلم.
- مكاريك، ايرنا ريمّا، (۱۳۸۸). *دانش نامه نظريه های ادبی معاصر*. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ سوم، تهران: آگاه.

Barthes, Roland, (1970/1974), *S/Z*, Trans. Richard Howard & Richard Mille, NewYork. Hill and Wan.

مقالات:

- بازرگان دیلمقانی، نگین، (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر نظریات ادبی رولان بارت»، *دانشنامه*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ایران، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۷-۳۵.
- سلطانی، فاطمه، (۱۳۹۶). «تحلیل داستان شیخ صنعان بر اساس نظریه رمزگان رولان بارت»، *سومین همایش متن پژوهی/ادبی*، نگاهی تازه به مولانا.

شاگشتاسبی، مولود، و دیگران، (۱۳۹۸). «تحلیل روایی داستان شیر و نخجیران مثنوی معنوی بارویکرد زبانشناسی رمزگان رولان بارت»، *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱ تا ۱۹.

صادقی، لیلا (بی تا). «بررسی نشانه شناسی داستان خروس» اثر ابراهیم گلستان». *مجله نوشتا*. شماره نهم. صص ۲۲-۳۳.

صفیئی، کامبیز و مسعود اسلامی، (۱۳۹۰). «توضیح متدلوزی رمزگان پنج گانه رولان بارت با نمونه عملی از نمایشنامه فیزیکدانها». اثر فردریش دورنمات. *مطالعات نقد ادبی (پژوهش ادبی)*. صص ۱۹۹-۲۲۱.

تحليل رواية «مفتاح لنجوى» لفاتن المرّ وفق نظرية سيميائية رولان بارت

نوع المقالة المراجعة

رقية رستمپور ملج^١، زينب ناظميان^٢

أستاذة مشاركة في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة الزهراء، كلية الآداب، طهران، إيران
طالبة مرحلة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة الزهراء، كلية الآداب، طهران، إيران

الملخص

السيميائية من الأساليب الجديدة في النقد الأدبي، وهي من الأدوات المهمة لتحليل النصوص الأدبية. في هذا الصدد، يمكن اعتبار نظرية رولان بارت (الشفرات الخمس) من آليات السيميائية التي تعد أداة جيدة لحل التعقيدات الأدبية للنصوص الروائية وفك رموز المعاني المكونة فيها. على الرغم من أسلوبه المعاصر وبنيته المتعددة الطبقات، يمكن أن تكون رواية الكاتبة اللبنانية المعاصرة فاتن المرّ "مفتاح لنجوى" مثالاً جيداً على تطبيق هذه النظرية. يعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي - التحليلي، فيقوم بتطبيق البنية السيميائية على بعض النماذج من هذه الرواية ويدرسها على أساس نظرية رولان بارت (الشفرات الخمس). ترجع أهمية البحث إلى حقيقة أنه يحلل قصة حديثة وأنتوية في أدبيات المقاومة العربية بناءً على تفسير مختلف مستويات وطبقات التشفير. لذلك فإن الغرض من هذه المقالة هو شرح المعاني المختلفة للإشارات وتحليل الرموز والحالات الذهنية لبعض الشخصيات في هذه الرواية. بعض النتائج التي توصل إليها البحث هي: إنّ جميع الشفرات تتوافر في الرواية، التأويلية، والثقافية، والرمزية، والأحداث والسيميائية، وهي فعالة في تعزيز إنجازات السرد، ولكن يبدو أن الشفرة الثقافية أكثر بروزاً من الأنواع الأخرى ويرجع ذلك إلى قوة مفهوم المقاومة وأهمية الاهتمام بالمرأة في هذه الرواية. ليست في رواية مفتاح لنجوى وجهة نظر الراوي العليم إذ أسست بنيتها عن طريق رسائل الكترونية بين الشخصيات وفي فضاء افتراضي وتوفّر أسلوب الرواية هذه مجالاً للتأويلات المختلفة.

الكلمات الرئيسية: مفتاح لنجوى، فاتن المرّ، سيميائية رولان بارت، الشفرات الخمس.

Analysis of the novel "Muftah Lanjavi "by Faean al-Murr Relying on Roland Barthes' semiotic Approach

Article Type: Review

Roghayeh Rostampour Maleki*, Zeinab nazemian

¹. Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

². PhD student in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran.

Abstract

Semiotics is one of the new approaches in literary criticism that is one of the important tools for analyzing literary texts. In this regard, Roland Barthes's theory of five codes can be considered as a kind of layered semiotics that is a good tool to solve the literary complexities of fictional texts and decipher the meanings contained in it. The novel "Muftah Lanjavi" by the contemporary Lebanese author Faten al-Murr, despite its contemporary style and multi-layered structure, can be a good example of the implementation of this theory. This research, relying on descriptive-analytical method and providing examples of the story "Muftah Lanjavi" analyzes this novel from the perspective of Barthes's five cryptographers. The importance of research is due to the fact that it analyzes a modern and feminine story in Arabic resistance literature based on the interpretation of various levels and layers of cryptography. Therefore, the purpose of this article is to explain the various meanings of the signs, the analysis of the codes and the mental states of some of the characters in this novel. Among the achievements of this research is that; All five hermeneutic, symbolic, cultural, semantic and action codes are used in this novel and are effective in advancing the achievements of the narrative, but cultural codes seem to be more prominent than other types. This is due to the strong concept of resistance and the importance of paying attention to women in this novel. The novel "Muftah Lanjavi" is based on e-mails between the characters in the story, and is based on cyberspace, so there is no omniscient point of view in it. And the style of the story is such that it provides the capacity for various interpretations of it as well as the possibility of being read-written.

Keywords: Moftah Lenjavi, Faten al-Marr, Roland Barthes semiotics, codes.

* Corresponding Author

R.rostampour@alzahra.ac.ir